

Investigating the Locality of Historical Farmsteads in the Geographical System of Iran

Hosein Raie * Assistant Professor, Faculty of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran. Iran.

Abstract

The geography of Iran is a haven of historical farmsteads with specific physical and functional characteristics. These small bio-complexes have a fixed population and physical structures related to agriculture and settlement, and they grew and developed in the centre of Iran from before Islam to the Zand and Qajar periods and then reached a low point in the Pahlavi period. The main point of the research is the need to know more about the nature of historical residential farmsteads. Many farmsteads, including buildings related to them, are subject to destruction. The purpose of the research is to obtain more information about the locality of farmsteads in the geographical arrangement of Iran and the interpretive approach and historical interpretive strategy are used in the form of document research and field studies. According to the study findings, residential farmsteads, as the infinitesimal living complexes, were a subcategory of villages, acting independently or subordinately, and were considered a part of Iran's geographical system. Physical, agricultural and customary areas are their three significant influencers. The physical and agricultural zone is compared to the farmstead's core zone, while the customary area is equivalent to its buffer zone.



Keywords: Residential Farmsteads, Agricultural Heritage, Agriculture Complex, Small Living Complexes, Geographical System.

Corresponding Author: hoseinraie@iust.ac.ir

How to Cite: Raie, H. (2022). Investigating the Locality of Historical Farmsteads in the Geographical System of Iran, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 9 (17), 221-248.



بررسی جایگاه مزارع مسکون تاریخی در نظام «زمانی - مکانی - فضایی» ایران

حسین راعی*  
استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم
و صنعت ایران، تهران، ایران.

چکیده

جغرافیای ایران مأمّن مزارع مسکون تاریخی با ویژگی‌های کالبدی و کارکردی ویژه است. این مجتمع‌های زیستی کوچک دارای جمعیت ثابت و مستحدهات کالبدی وابسته به کشاورزی و سکونت بودند و از پیش از اسلام تا دوره زند و قاجار در مرکز ایران رشد کردند، توسعه یافتند و سپس در دوره پهلوی به حسیض رفتند. مسئله اصلی، نیاز به شناخت عمیق‌تر درباره ماهیت مزارع مسکون تاریخی است، زیرا تعداد زیادی از مزارع به انضمام بناهای وابسته به آنها در معرض نابودی قرار دارند. هدف تحقیق دستیابی به اطلاعات بیشتر درباره جایگاه مزارع در نظام زمانی - مکانی - فضایی ایران است و برای تدقیق موضوع از رهیافت تفسیرگرایی و راهبرد تفسیری تاریخی در قالب سندپژوهی و مطالعات میدانی استفاده می‌شود. پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد مزارع مسکون به‌عنوان کوچک‌ترین مجتمع زیستی در ذیل دیه یا روستا به‌صورت مستقل یا تابعه قرار داشتند و بخشی از نظام زمانی - مکانی - فضایی در ایران محسوب می‌شدند. آنها دارای سه پهنه؛ کالبدی، کشتخوانی و عرفی به‌عنوان محدوده‌های تأثیرگذار بوده‌اند. پهنه کالبدی و کشتخوانی معادل عرصه در یک مزرعه و پهنه عرفی معادل حریم در آن تلقی می‌شود. حفاظت از یک مزرعه مسکون ارتباط عمیقی با صیانت پویا از محدوده‌های تأثیرگذار یا پهنه‌های سه‌گانه دارد.

کلیدواژه‌ها: مزارع مسکون، میراث کشاورزی، مجموعه کشتخوانی، مجتمع‌های زیستی خرد، نظام زمانی - مکانی - فضایی

۱. مقدمه

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مزرعه به‌عنوان بخشی از میراث کشاورزی ایران به دو صورت در کشور وجود دارد: الف) مزرعه مسکون ب) مزرعه غیرمسکون یا کشتخوان. در مزرعه غیرمسکون جمعیت ثابت و مستحدثات وابسته وجود ندارد و صرفاً تعدادی کشاورز به‌صورت شناور در یک کشتخوان به فعالیت می‌پردازند، اما در مزرعه مسکون، جمعیت ثابت وجود دارد و دارای مستحدثات وابسته مانند؛ قلعه، قنات، مسجد، حسینیه، آسیاب، آب‌انبار، کبوترخانه، برج دیدبانی، کاروانسرا و امثال آن است (راعی، ۱۳۹۷: ۸۶) که با توجه به مقیاس فعالیت و از نظر وسعت به دو صورت معتبر و صغیره دیده‌شده‌اند (افضل‌الملک، ۱۳۵۵: ۱۸۲). مزارع مسکون دارای قابلیت‌های کالبدی و کارکردی و نظام‌های کالبدی، معماری، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بهره‌برداری، حقوقی و مدیریتی بوده‌اند. تاریخ شکل‌گیری نمونه‌های ابتدایی آن با عناوینی چون؛ دسکرها‌های شاهی به پیش از اسلام برمی‌گردد (پیگولوساکایا، ۱۳۶۷: ۲۹۰ و دهگان، ۱۳۸۹: ۲۰۰)، اما از دوره سلجوقی شکل ویژه‌ای به خود گرفته (لمتون، ۱۳۴۵: ۲۵۰) و تا دوره قاجار به تکامل می‌رسند. کامل‌ترین و بزرگ‌ترین مزارع مسکون ایران مربوط به دوره زند و قاجار است مانند؛ مزرعه نصرت‌آباد و دولت‌آباد قم. آن‌ها با ساختار نظام وقف عجین بوده‌اند (حسینی یزدی، ۱۳۳۰: ۶۵۵؛ افشار، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۳ و شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۸: ۱۴۸) و قرن‌ها با آن مدیریت می‌شدند (اعظم واقفی، ۱۳۷۴: ۳۹۴). هم‌اکنون بسیاری از آن‌ها در معرض تهدید و ویرانی قرار دادند و به اضمحلال نزدیک شده‌اند (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۹۴).

مسئله اصلی شناخت ناکافی درباره ماهیت مزارع مسکون تاریخی به دلیل از بین رفتن بسیاری از اطلاعات و داده‌ها است. این فرآیند در نتیجه رهاشدگی، رشد روزافزون ساخت‌وسازهای ناهمگون و مداخلات نامناسب کالبدی در این آثار رخ داده است. هدف تحقیق شناخت جایگاه مزارع تاریخی در نظام زمانی- مکانی- فضایی ایران است و برای تدقیق موضوع از رهیافت تفسیرگرایی و راهبرد تفسیری تاریخی استفاده می‌کند. این پژوهش با استفاده از مطالعات پیشین، تعدادی از مزارع مسکون در اقلیم گرم‌و‌خشک مانند

سورآباد/ کاشان، عباس‌آباد/ کاشان، گورث/ اصفهان، طرازآباد/ میبد، دولت‌آباد/ قم، نصرت‌آباد/ قم و قاضی‌بالا/ ساوه را مورد بررسی میدانی دقیق‌تر قرار داده و از سندپژوهی نیز کمک گرفته است. هم‌اکنون بقایای هر یک از مزارع اشاره‌شده وجود دارد و قابل پیمایش میدانی است. علاوه بر آن در اسناد تاریخی نیز از آن‌ها نام‌برده شده است و از این جهت دارای اعتبار هستند.

برداشت میدانی و سپس مطالعه مقایسه‌ای منجر به شناخت نسبی درباره شاکله اصلی مزارع مسکون در این اقلیم خواهد شد و احتمال وجود پهنه‌بندی مشخص در این مجتمع‌های زیستی را تقویت خواهد نمود. علاوه بر آن سندپژوهی و مطالعات میدانی نشان می‌دهد که مزارع مسکون دارای قرابت و نیز افتراق با مجتمع‌های زیستی مشابه مانند روستاها هستند (قمی، ۱۳۸۵: ۲۰۳ و کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸: ۱۳۱) و غور در این باره می‌تواند علاوه بر تعیین جایگاه مزارع مسکون در نظام زمانی- مکانی- فضایی به شناخت نقاط تمایز آن‌ها نسبت به سایر پهنه‌های زیستی کمک کند.

۲. پرسش پژوهش

۱. مزرعه مسکون تاریخی چه نسبتی با مجتمع‌های زیستی دیگر در نظام زمانی- مکانی- فضایی ایران داشته و ویژگی‌های عناصر و پهنه‌های شکل‌دهنده آن چیست؟

۳. مرور پیشینه‌ها

پژوهش درباره مزارع مسکون تاریخی در ایران به دهه پیشین برمی‌گردد. معرفی این موضوع نخستین بار در سال ۱۳۸۹ شمسی در مقاله‌ای با عنوان «مقدمه‌ای بر معماری مزارع در ایران» در مجله میراث ملی انجام شد. سپس در دهه ۹۰ شمسی در دو مقاله جداگانه توسط (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۵) و (راعی، ۱۳۹۶) به تحلیل مزارع مسکون تاریخی در یزد و کاشان پرداخته شد. با ادامه پژوهش در این زمینه در مقالاتی چون (راعی و

بیگری، ۱۴۰۰)، (Raie & Kamrani, 2021) و (راعی، ۱۴۰۰) به موضوعاتی چون نظام شکل‌دهنده و قابلیت‌های پنهان در معماری مزارع تاریخی، گونه‌شناسی مزارع مسکون در اقلیم گرم‌وخشک ایران و همچنین تحلیل کالبدی مزرعه بالا عباس‌آباد اشاره شده است. در کلیه مقالات معرفی شده به کالبد و کارکرد مزارع از منظر معماری و میراث کشاورزی اشاره شده، اما به موقعیت و نسبت مزارع مسکون در نظام زمانی-مکانی-فضایی و سایر مجتمع‌های زیستی مشابه مانند روستاها تاکنون پرداخته نشده و پژوهشی در این زمینه دیده نشده است.

علاوه بر آن در منابع پژوهشی خارجی نیز از مزارع مسکون ایرانی مطلبی تاکنون یافت نشده است و بررسی‌ها نشان می‌دهد که الگوی مشابه با مزارع تاریخی ایران تحت عنوان «Farmstead» در سایر نقاط دنیا از جمله اروپا و آمریکا وجود دارد که دارای نقاط افتراق محتوایی با مزارع ایرانی است. در این زمینه مطالعات بسیاری از پژوهشگران خارجی وجود دارد که مزارع تاریخی را از رویکردهای مختلف از جمله معماری مزارع، نظام مالکیت و روابط اقتصادی و اجتماعی موجود مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین مقالات مربوط به Farmstead تحت عنوان «We've got thousands of these! What makes an historic farmstead significant» در سال ۱۹۹۰ میلادی و توسط «جان اس. ویلسون» منتشر شده است. او در این مقاله، به مزارع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سایت‌های تاریخی آمریکای شمالی اشاره می‌کند.

در سال ۲۰۰۸ میلادی، «بن فورد»^۲ در مقاله «The Presentation of Self in Rural Life: The Use of Space at a Connected Farmstead» بر اساس مطالعات باستان‌شناسانه، یک مزرعه تاریخی را در جنوب شرقی انگلستان مورد بررسی قرار می‌دهد. در سال ۲۰۱۷ و در مقاله «Dendroarchaeology at the Tipton-Haynes State Historic Site: Contextualizing the landscape of an Upland South farmstead in

1. John S. Wilson
2. Ben Ford

East Tennessee, USA»، «دنیل بروک^۱» و همکاران، مزرعه‌ای در جنوب شرقی تنسی، در ایالات متحده را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها، تغییر نظام مالکیتی و سیر تحول کالبدی این مزرعه را بررسی نمودند. در سال‌های اخیر، نیز مقالات متعددی در این زمینه منتشر شده است؛ از جمله، «ندرا کی. لی^۲» در سال ۲۰۲۰ و در مقاله «Race, Socioeconomic Status, and Land Ownership among Freed African American Farmers: The View from Ceramic Use at the Ransom and Sarah Williams Farmstead, Manchaca, Texas»، مزارع تاریخی آمریکایی را با رویکرد نظام مالکیت مورد بررسی قرار می‌دهد.

۴. روش تحقیق

یک مزرعه مسکون، نظامی درهم‌تنیده از ارزش‌های طبیعی تا فرهنگی است که کلیتی منحصر به فرد را خلق کرده است؛ بر این اساس شناخت آن مستلزم تفکیک ابعاد مطالعه است (خیاط مقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۱). بر این اساس چندین مزرعه مسکون در اقلیم گرم و خشک با دوره‌های مختلف شکل‌گیری مورد شناسایی قرار گرفت. سند پژوهی و مطالعات میدانی قالب‌هایی از پژوهش هستند که در مسیر شناسایی مزارع مسکون ذیل رهیافت تفسیری و راهبرد تفسیری تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است (گروت و وانگ، ۱۳۹۲: ۳۸). در این روش اسناد تاریخی از قبیل کُتب جغرافیای تاریخی مرتبط، سفرنامه‌ها و روزنامه خاطرات اشخاص معتبر جستجو و کنکاش می‌شوند. همچنین بررسی میدانی، برداشت و پیمایش اسناد مادی مانند پهنه‌های مختلف مزارع مسکون در کاشان، قم، یزد و اصفهان در دستور کار قرار می‌گیرند. در این مرحله بازدید از پهنه‌ها و هم‌پوشانی اطلاعات و داده‌ها، مقایسه نقشه‌های مزارع با یکدیگر و تفسیر آن‌ها موجب کشف و فهم موضوع می‌شود و با تحلیل آن در بخش بحث، ساختار یک مزرعه مسکون، نقاط تمایز و نسبت آن با مجتمع‌های زیستی دیگر پدیدار خواهد شد.

1. Daniel W.H. Brock
2. Nedra K. Lee

۵. جایگاه مزرعه مسکون در نظام زمانی - مکانی - فضایی ایران

بررسی اسناد تاریخی و جغرافیای تاریخی نشان می‌دهد که مزرعه مسکون یک مجموعه زیستی کوچک است که با دو صورت مستقل و تابعه بخشی از یک «قریه یا دیه» محسوب می‌شوند و در زیرمجموعه قصبات و در نهایت رُستاق قرار دارند. حضور واژگانی چون قصبه، طُسوج، ناحیت، ضیعه، ده، قریه، کلاته، رستاق، صحرا، کشتزار، بنگاه، پلاس و دستکرت نشان از تکثر واژه‌هایی در ادبیات فارسی و عرب دارد که در کنار مزرعه مسکون قرار گرفته است. هریک از واژگان بالا در اسناد تاریخی چون؛ اعتمادالسلطنه، (۱۳۶۸: ۱۹۴۰)؛ افضل‌الملک، (۱۳۶۰: ۱۰۳)؛ میرزا قهرمان امین لشکر، (۱۳۷۴: ۵۶)؛ فرمانفرما، (۱۳۸۳: ۱۸) و نجم‌الملک، (۱۳۸۵: ۲۰) قابل شناسایی هستند و اندیشمندان حوزه‌های مختلف در پژوهش‌ها و گزارش‌های خود از آن‌ها استفاده کرده‌اند.

همان‌گونه که در شکل ۱ مشخص شده است، خوره، رستاق، رستاک، روستا و حیازه به‌عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مجتمع‌های زیستی پس از شهرها شناخته شده‌اند و در یک دسته به لحاظ وسعت قرار می‌گیرند. حسن ابن قمی در قرن چهارم هجری قمری رستاق و حیازه را دو تا سه ناحیت کنار هم می‌داند (قمی، ۱۳۸۵: ۸۲). ناحیت به لحاظ وسعت از خوره و رستاق کوچک‌تر بوده و گاهی یک رستاق چندین ناحیت، طسوج^۱ یا قصبه را در برمی‌گیرد (حموی، ۱۳۸۰: ۳۸). واژه ناحیت در اسناد تاریخی در ردیف واژگانی چون بلوک، آبادی، قصبه، طُسوج آمده است. قصبات یا بلوک^۲ نیز در گذشته دارای اجزایی بودند که غالباً از چندین ده، کشتزارها و منابع آبی متعلق به آن‌ها تشکیل می‌شدند. افضل‌الملک در سفرنامه کرمان و بلوچستان در تشریح بلوک راور می‌نویسد: «راور جزء

۱- طسوج بر وزن سبوح و قدوس جزئی است از ناحیه و کوره، پس یک کوره متشکل بر چند طسوج است و اصل این لفظ فارسی و نسو است معرب نموده طسوج گفته‌اند و اکثر استعمال این لفظ در سواد عراق است و سواد عراق را به شصت طسوج قسمت کرده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۳۸۳).

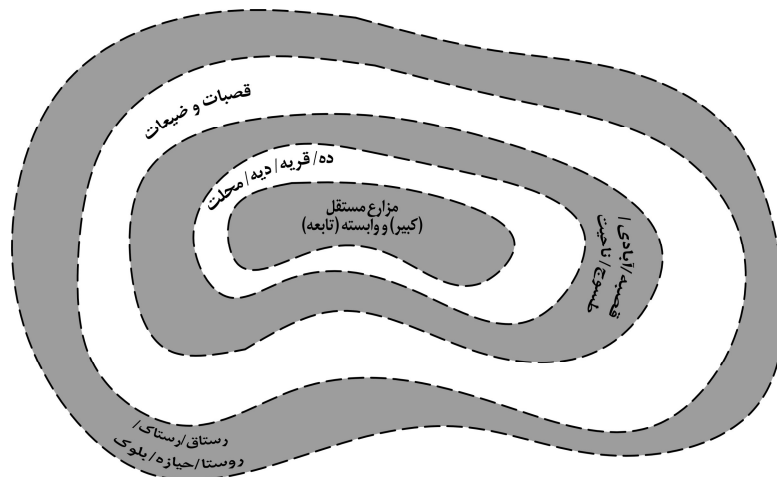
۲. قصبه عبارت است از چند قریه‌ای که از کمال آبادی همه‌وقت مایحتاج سکنه آنجا در خود آنجا موجود باشد و در دکاکین گذارند و بفروشد و مزارع عدیده در محوطه آن تابع و جزو جمع دیوانی آن باشد (ضرابی، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

بلوکات معتبره کرمان است و قصبه‌ای است آباد که بعضی دهات و مزارع اطراف جزء آن است (افضل‌الملک، ۱۳۶۰: ۱۸۱). مضمون بالا نشان می‌دهد که مجتمع زیستی کوچک‌تر از قصبه به‌طور معمول ده، دیه یا قریه^۱ هستند که خود دارای کشتزارها و ضیعات هستند^۲. ضیعت یا ضیاع نیز به زمین، آب و امثال آن که تابع رستاق، قصبه و ده باشند، گفته می‌شود (قمی، ۱۳۸۵: ۸۲)؛ بنابراین یک رستاق یا بلوک ترکیبی از چندین قصبه با انضمام ضیعات آن است؛ اما کوچک‌ترین واحد در یک رستاق تحت عنوان «مزرعه» در اسناد تاریخی دیده شده است و هرجایی که «مزرعه» ای احداث می‌شود، غالباً تابع یک ده اصلی است (لمتون، ۱۳۴۵: ۳۷).

افضل‌الملک نیز در تشریح این تقسیمات در ارائه گزارش خالصجات شاهی در دوره قاجار می‌نویسد: «هریک از این چهار بلوک دارای پانزده و بیست قریه و مزارع عدیده است (افضل‌الملک، ۱۳۶۰، ۱۰۹)؛ بنابراین و بر اساس آنچه در اسناد تاریخی دیده می‌شود، مزارع مسکون تاریخی به‌عنوان کوچک‌ترین مجتمع زیستی در جغرافیای ایران مطرح است که در ذیل قصبه و طسوج (بخش امروزی)، بلوک و رستاق (شهرستان کنونی) قرار دارد. در این مجتمع‌ها جمعیت ثابت زندگی می‌کردند و دارای قابلیت‌های کالبدی و کارکردی مختص خود بوده‌اند (راعی، ۱۴۰۰: ۳۲).

۱- نیاسر نیز در گذشته، قریه‌ای در رستاق قاسان یا کاشان بود (قمی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

۲- ورامین در ماقبل دیه‌ای بوده است و اکنون قصبه شده (مستوفی، ۱۳۲۰: ۵۵).



عکس ۱- جایگاه مزارع مسکون در نظام دسته‌بندی مجتمع‌های زیستی (نگارنده، ۱۴۰۱)

۶. نسبت مزرعه مسکون با مستحدثات و مشتقات در پهنه‌های کالبدی و

کشتخوانی بلافصل

مزارع مسکون دارای قابلیت‌های کالبدی ویژه‌ای هستند و از ترکیب عناصر اصلی و فرعی کشتخوانی، باغی و کالبدی تشکیل شده‌اند. در اسناد تاریخی و حقوقی مختلف از جمله؛ الهمدانی، (۱۳۵۰)؛ جامع‌الخیرات، (۱۳۳۰)؛ یادگارهای یزد، ج ۲، (۱۳۷۴)؛ اعظم وافقی، (۱۳۷۴)؛ حکمت یغمایی، (۱۳۶۹)؛ شیخ‌الحکمایی، (۱۳۸۸) و پسندیده، (۱۳۹۴) به وقف‌نامه‌هایی اشاره می‌شود که عناصر وابسته به مزارع در آن‌ها تشریح شده است. از جمله در متن وقف‌نامه جامع‌الخیرات درباره موقوفات شمس‌الدین محمد بر مدرسه و خانقاه کینه به واژگانی چون؛ مزرعه، کشتخوان، قطعه، باغ و دسکره اشاره شده است (افشار، ج ۲، ۱۳۷۴: ۵۳۷-۴۵۶).

بر اساس سند یادشده؛ قطعه، کشتخوان، باغ و دسکره، چهار بخش اصلی مزارع مسکون به حساب می‌آیند، اما با یکدیگر تفاوت ساختاری و حقوقی دارند. «کشتخوان» شامل چندین قطعه (زمین کشاورزی) است و «باغ» دارای درختان مثمر و غیرمثمر است. دسکره همان قلعه‌های کشتخوانی کنونی بوده (راعی، ۱۴۰۰: ۳۴) و «مزرعه» نیز از

هم کناری کشتخوان، باغ، دسکره و مستحدثات دیگر شکل می‌گیرد. علاوه بر آن عناصر دیگری نیز در مزارع مسکون وجود دارند که بخش فرعی مزارع محسوب می‌شوند و به آن‌ها اضافات و الحاقات گفته می‌شود. عناصر نام‌برده بخشی از مستحدثات و مشتقات مزرعه مسکون بوده‌اند، با آن به فروش می‌رسیدند و یا وقف عام و خاص می‌شدند. در بسیاری از وقف‌نامه‌ها و مبیعه‌نامه‌ها از این مستحدثات و مشتقات برای بیان حدود و ثغور یک مزرعه استفاده می‌گردید (پسندیده، ۱۳۹۴: ۱۴۱). واژگانی چون؛ قنوات، جداول، آبار (چاه‌ها)، انهار (نهرها)، اخشاب (چوب‌ها)، اسطرخ (استخر)، تلال (جمع تل و پشته‌ها)، معالف (علفزار)، کُنده‌دان (چوب‌های قوی و کلفت)، و هاد (جمع و هده به معنای زمین پست و نشیب)، آنگک (سبزه‌زار، چمن)، دیمچه‌زار (کشت دیمی)، بیوت اکره (خانه‌های کشاورزان) مکرومه (میم‌زار، موزار)، بخش‌هایی از این واژه‌ها و عبارات هستند که در اسناد حقوقی فراوانی از جمله مبیعه‌نامه مزرعه خواند آباد نطنز در سال ۱۰۷۴ ه.ق. آمده است.^۷ آن‌ها در زمره و بخشی از پهنه‌های کالبدی و کشتخوانی بلافصل مزارع مسکون قلمداد شده و اصطلاحاً سرجمع مزارع به حساب می‌آیند. یک مزرعه مسکون از ترکیب بخش‌های اصلی و فرعی اشاره‌شده تشکیل می‌شود.

۷. واحد شمارش مزارع مسکون تاریخی

اغلب اسناد و گزارش‌های موجود درباره مزارع تاریخی مربوط به دوره قاجار است، زمانی که معتمدین و گزارش‌نویسان معتبری چون؛ قهرمان امین لشکر، نجم‌الملک،

۱- سند مبیعه مورخ ۱۰۷۴ ه.ق. در این سند میرزا محمد سعید، فرزند میرعسکری حسینی نطنزی به وکالت از طرف همسرش، ملک جهان خانم، دختر میر محمد صالح حسینی نطنزی دو دانگ از مزرعه خواندآباد را به وکیل وزیر قورچیان در تاریخ ۲۷ ماه رجب سال ۱۰۷۴ ه.ق. به مبلغ سی تومان فروخته است: «...} همگی و تمامی دو دانگ شایع کامل از کل شش دانگ مزرعه معینه معلومه موسوم به مزرعه خواندآباد من مزارع حوالی قریه نسران عن قری بلوک طرقرود نطنز با جمیع توابع شرعی و لواحق ملیه و اراضی و صحاری و شرب و مشارب و قنوات و جداول و آبار و انهار و جبال و تلال و عیون قدیماً و جدیداً داخل و خارجاً و کلما يتعلق بها شرعاً به قدر الحصة الشایعه الشرعیه سمی ام کم یسم و ذکر فیہ ام کم یذکر. به ثمن و قیمت مبلغ سی تومان تبریزی فضی نصفه بالکلیه و توضیحاً ایاه مبلغ پانزده تومان موصوف، مبیعه صحیحه شرعیه و ...} (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۳۹۴).

اعتماد السلطنه، افضل الملک، کلانتر ضرابی و فرمانفرما از صفحات خراسان، کرمان، بلوچستان، قم، کاشان و سمنان گزارش‌هایی تهیه کرده و از میزان نفوس، سکنه، وضعیت کشاورزی و محصولات، خراج و مالیات اطلاعاتی را جمع‌آوری و در اختیار دیوان قرار می‌داده‌اند. در میان کلیه اسناد اشاره‌شده، تنها کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸ در کتاب تاریخ کاشان بسیاری از مزارع آن محدوده را نام‌برده و از واژه «باب» برای شمارش استفاده می‌کند.^۱ به جزء نوشته‌های ایشان، در مابقی اسناد اشاره‌شده از نام مزرعه به‌تنهایی و بدون پیشوند استفاده شده است.

۸. محدوده‌های تأثیرگذار در معماری مزارع تاریخی

علل وجودی مزارع بر پایه اهداف اقتصادی - بوم‌شناسانه و نیت خیرخواهانه مالک بنیان گذاشته شده و به تدریج عواید سیاسی و اجتماعی - بوم‌شناسانه نیز بر آن مترتب می‌شد. هر مزرعه وظیفه تولید محصول ویژه‌ای را در ابعاد وسیع بر عهده داشته است^۲ و برای انجام آن نیازمند استفاده از پهنه‌های سرزمینی و برنامه کاربری زمین مناسب بود. بسط تولید، نیازمند حضور و سکونت رعایا به‌عنوان نیروی کار در مزرعه بود. علاوه بر آن کشتخوان‌های حاصلخیز و منابع آبی به‌عنوان اهرم ویژه مورد توجه مالک برای استقرار مزرعه بود و گاه علاوه بر زراعت، از دام‌پروری و توسعه چراگاه‌ها نیز به‌عنوان ابزار مکمل تولید در رونق این مجتمع‌های زیستی استفاده می‌شد. کلیه امور اشاره‌شده به‌عنوان وظایف ذاتی مزرعه‌نشینان قلمداد می‌شد و در سه پهنه قابل انجام بود:

۱. پهنه‌های کالبدی

۲. پهنه‌های کشتخوانی

۳. پهنه‌های عرفی

۱- تعداد مزارع کاشان: وقفی اصل شهر ۷ باب، مزارع حومه ۱۶ باب، قراء گرمسیر و مزارع ۱۸۲ باب، قراء سردسیر و مزارع ۱۹۲ باب (ضرابی، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

۲- مانند مزرعه دولت‌آباد قم که محصول عمده آن پنبه بود.

۱.۸. پهنه کالبدی

تفاوت بین کشتخوان (زمین کشاورزی) و مزرعه مسکون، وجود جمعیت ثابت و حضور مستحذات کالبدی در مزرعه مسکون است. حضور مردم و رعایا در مزرعه، تولید اقتصادی را تضمین می‌کرد؛ بنابراین نگهداشت آن‌ها در مزرعه در اولویت بود. علاوه بر آن، اربابان و مباشران نیز برای مدیریت و پایش تولیدات و محصولات می‌بایست در مزرعه اقامت می‌داشتند و از آن نقطه کلیه امور را در زمان کشت، برداشت و حتی ارسال و تقسیم محصولات بر اساس حق نسق (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۴۳) کنترل می‌کردند. لاجرم ایجاد و ساخت فضایی برای زندگی آنان نیز لازم می‌نمود. این رفتار کارکردی، نیازمند پاسخ کالبدی بود و مالکان و اربابان مزارع تصمیم گرفتند قلعه‌هایی را در کنار کشتخوان‌ها برای زیست رعایا بسازند و در کنار آن عناصر خدماتی، مسکونی، بهداشتی، مذهبی، دفاعی و کشاورزی ایجاد می‌شد. این عناصر بر اساس نیاز و وسعت مزرعه و تمکن مالی اربابان متفاوت بود و به‌طور معمول شامل عناصر ذیل می‌شد:

۱. عناصر بهداشتی شامل؛ حمام و توالت همسایگی

۲. عناصر مسکونی شامل؛ پلاس، کپر، خانه رعیتی، عمارت اربابی، قلاع اربابی و

رعیتی

۳. عناصر دفاعی شامل؛ برج دیدبانی و بارو

۴. عناصر وابسته به آبرسانی و کشاورزی شامل؛ قنات، چشمه، آب‌انبار، سلخ^۱ و

آبراه‌ها، کبوترخانه

۵. عناصر مذهبی شامل؛ مسجد، حسینیه و نمازخانه

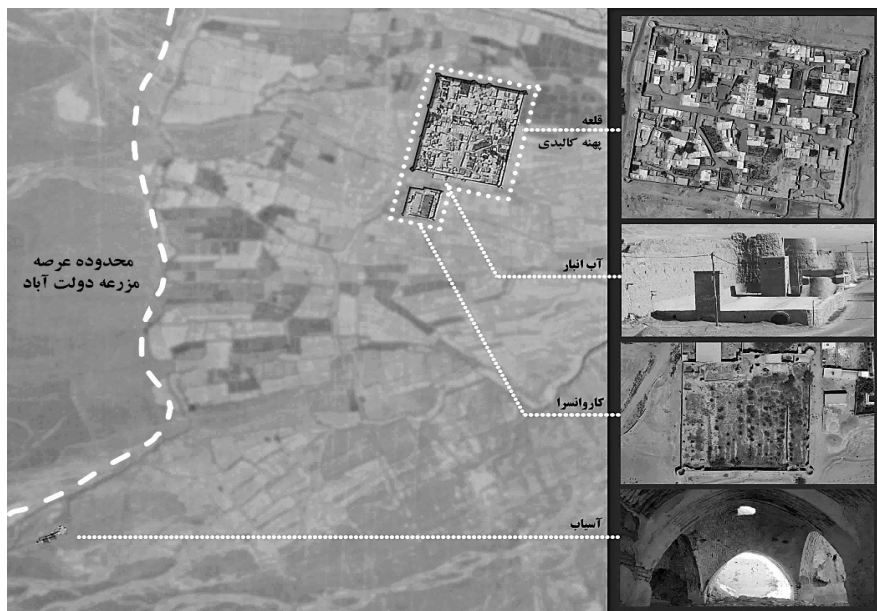
۶. عناصر وابسته به خدمات شامل؛ آسیاب و کاروانسرا

۷. عناصر وابسته به راه شامل؛ شاه‌کوچه و مجموعه ورودی

۱- مقصود استخر است که در گویش محلی پیرامون کاشان به آن سلخ گفته می‌شود.

بررسی جایگاه مزارع مسکون تاریخی در نظام ... ، راعی | ۲۳۳

بر اساس بررسی‌های میدانی تعدادی از مزارع مانند حسین آباد، دوک و سورآباد کاشان دارای مستحدثات اندکی بودند و در زمره مزارع صغیره به حساب می‌آمدند و تعدادی دیگر از قبیل مزارع گورت اصفهان و دولت آباد قم (عکس ۲) از این نظر غنی بودند و عناصر کالبدی بیشتری را در اختیار داشتند و مزارع کبیره یا معتبر خوانده می‌شدند (افضل الملک، ۱۳۵۵: ۱۸۲). این بخش از مزرعه که محل تجمع و شکل‌گیری مستحدثات جهت پاسخگویی به نیازهای کارکردی مزارع است، پهنه کالبدی نامیده می‌شود و بخشی از عرصه یک مزرعه مسکون ایرانی را در وسعت ۲ تا ۱۵ هکتاری شکل می‌دهد.



عکس ۲- گستره پهنه کالبدی در مزرعه دولت آباد قم (نگارنده، ۱۴۰۱)

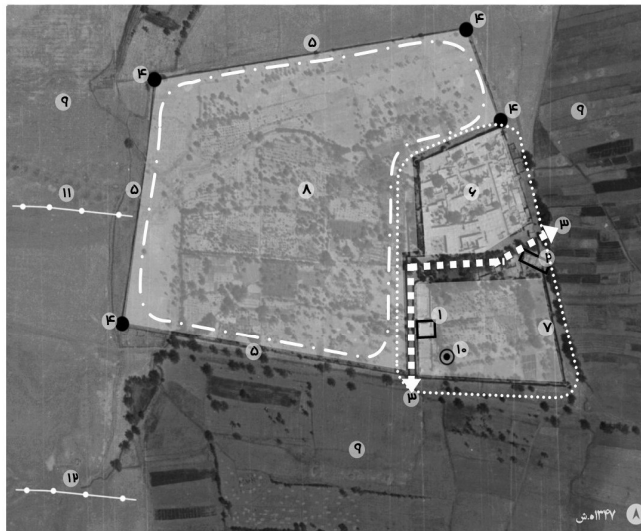
۲.۸. پهنه کشتخوانی

تولید محصول، اساس شکل‌گیری و مدیریت در این مجتمع‌های زیستی شمرده می‌شود. مالکان پیش از ساخت مستحدثات مزرعه به حاصلخیزی کشتخوان‌ها و نزدیکی آن‌ها به منابع آبی فکر می‌کردند. قنات‌های مرده را احیاء و یا دست به حفر رشته‌های

جدید قنات برای تأمین آب مورد نیاز می‌زدند. پس از انتخاب پهنه کشتخوانی، به تدریج عناصر کالبدی خدماتی اضافه می‌شد. کشتخوان‌ها به عنوان پهنه اصلی مزارع مسکون به تعدادی بُنه تقسیم شده و هر بُنه به یکی از رعایا واگذار و نشان عکسی مختص به خود را داشت (شکل ۵). علت وجودی نشان‌ها تمایز بنه‌ها از یکدیگر بود تا تشخیص زمین زیر کشت هر بُنه با دیگری به راحتی امکان پذیر باشد. علامت خاص هر بنه با تل خاکی و سنگ در جلوی زمین‌های آن بُنه ساخته می‌شد (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۵۵۸).

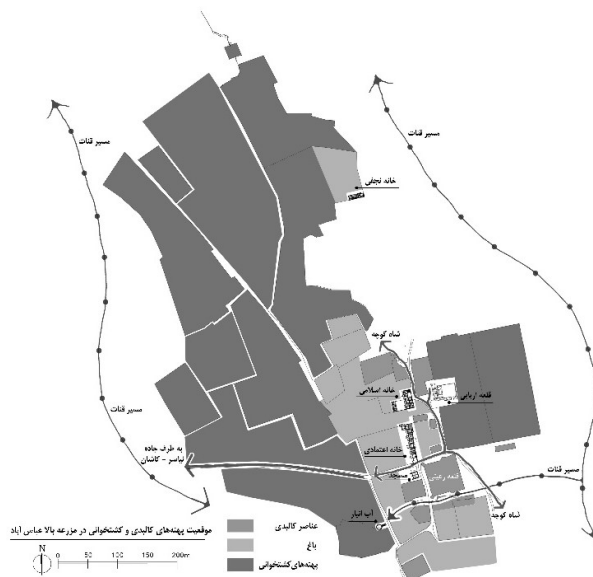
وسعت این پهنه کشتخوانی (مجموعه بُنه‌ها) به مراتب بیشتر از پهنه کالبدی است و در مزارعی مانند؛ بالا عباس آباد در کاشان و نصرت آباد در قم به ۲۰۰ و ۳۰۰ هکتار می‌رسد و به طور تقریبی ۱۰ برابر پهنه کالبدی است. این بخش دارای یک پهنه جداگانه است، اما در پیوستگی با پهنه‌های دیگر قرار گرفته و نسبت به آن‌ها، زون میانی محسوب می‌شود. کشتخوان‌ها به لحاظ تولید محصول نیز با توجه به شرایط اقلیمی با یکدیگر تفاوت اساسی داشتند. یک مزرعه مانند دولت آباد قم در کنار کشت پنبه که محصول اصلی آن بود، به کشت هندوانه و سایر میوه‌جات نیز می‌پرداخت و در مزرعه دیگری به نام نَهچیر محصول اصلی نی بود که روغن کشی از آن‌ها انجام می‌شد؛ اما اغلب مزارع در اقلیم گرم و خشک دارای محصولات مشترک و مشابه بودند (جدول ۱).

پهنه کشتخوانی دارای ارتباط مستقیم با تولید محصولات زراعی و باغی بود؛ بنابراین گاه بخشی از عناصر وابسته به آبرسانی و کشاورزی شامل؛ قنات، چشمه، آب‌انبار، سلخ و آبراه‌ها، کبوترخانه و آسیاب در این پهنه یا در میان و کنار بُنه نیز ساخته می‌شد تا دسترسی بهتر و نزدیک‌تر ایجاد شود و در زمان، صرفه‌جویی شده و میزان تولید بهینه گردد (عکس ۳ و ۴). این پهنه جزء لاینفک یک مزرعه مسکون و غیرمسکون است و بخش اصلی آن به حساب می‌آید.













- | | | | | | | | | | | | |
|---------------------------------|---------------|-------------|-------------|---------|------------------|--------------------------------|----------------------|----------------------|--------------------|----------------|--------------------|
| ۱- عمارت اربابی ممدمسین خان فلج | ۲- مسجد مزرعه | ۳- شاه کوبه | ۴- برج گشتی | ۵- بارو | ۶- بخش رعیت نشین | ۷- بخش ارباب نشین (باغ اربابی) | ۸- کشتفوان داخل مصار | ۹- کشتفوان خارج مصار | ۱۰- آب انبار مزرعه | ۱۱- قنات دهکان | ۱۲- قنات فیروزآباد |
|---------------------------------|---------------|-------------|-------------|---------|------------------|--------------------------------|----------------------|----------------------|--------------------|----------------|--------------------|

عکس ۳- گستره پهنه کشتخوانی در مزرعه قاضی بالای قم (عکس هوایی، ۱۳۴۷ شمسی)



عکس ۴- گستره پهنه کشتخوانی در مزرعه بالا عباس آباد کاشان (نگارنده، ۱۴۰۱)

شماره	نام بُنه	نوع علامت	نام علامت
۱	بنه سیفعلی محمودی		بارخار
۲	.. رمغان خلج		سه‌کوبه
۳	.. درویش‌علی		تنسور
۴	.. حاجی عزیز		دوالف
۵	.. مشهدی ابداللد		عصا
۶	.. مشهدی محرم‌علی		یک الف یک کوبه
۷	.. محمد اسحق		مار
۸	.. نورالله محمودی		دوکوبه
۹			مرکزکن دستی
۱۰			بسته بلندکن

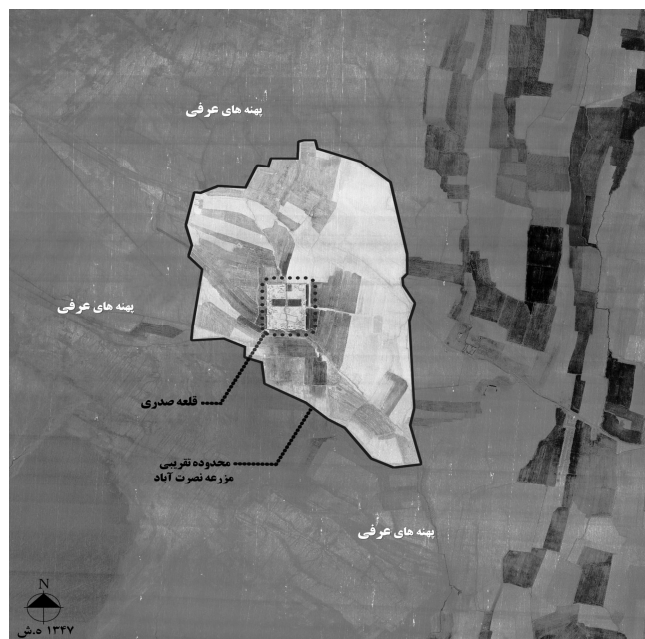
عکس ۵- نشان‌های موروثی بُنه‌ها در کَهِک بوئین‌زهر (صافی نژاد، ۱۳۶۸)

جدول ۱- نوع محصولات و تولیدات زراعی و دامی پیشین در تعدادی از مزارع مسکون اقلیم گرم و خشک ایران به نقل از افضل‌الملک، ۱۳۶۰، لمتون، ۱۳۴۵ و اسناد شفاهی (نگارنده، ۱۴۰۱)

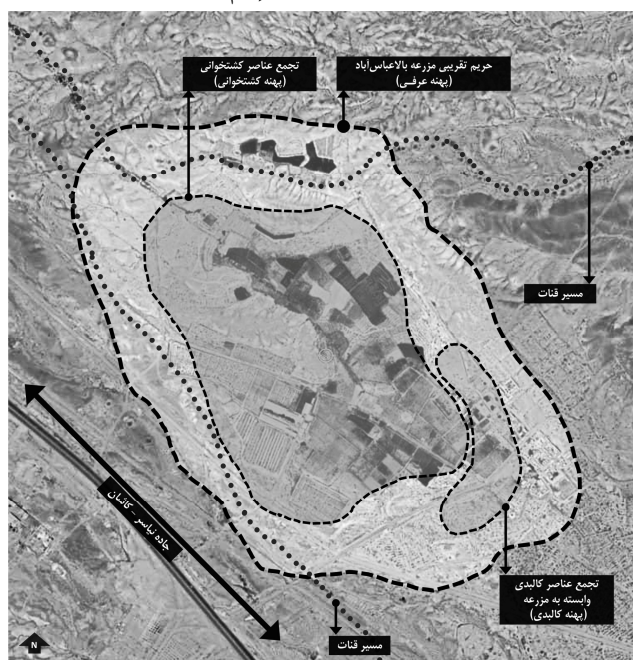
مزرعه مسکون	نوع محصولات کشاورزی در کشتخوان‌ها/ در گذشته
سورآباد/ کاشان	گندم، جو، یونجه، نخود و درختانی چون؛ انار، انجیر، انگور، زردآلو، قیصی و گل محمدی
عباس‌آباد/ کاشان	گندم، جو، یونجه، غلات و درختانی چون؛ انار، توت، انجیر، انگور، زردآلو و گل محمدی
گورَت/ اصفهان	هندوانه، خیار و خربزه
طرازآباد/ میبد	توت، پسته و انار
دولت‌آباد/ قم	پنبه، گندم، جو، یونجه، خربزه، هرندی (نوعی علوفه برای دام)، چغندر، آفتابگردان و صیفی‌جات
نصرت‌آباد/ قم	جو، گندم، خربزه، هندوانه، جوزق، کنجد، انجیر، توت، آلوچه، به، انار و خربزه
قاضی‌بالا/ ساوه	گندم، جو، یونجه محصولات باغی: انار، انگور، بادام، توت

۳.۸. پهنه عرفی

پهنه عرفی، حریم مزرعه مسکون است. مزارع مسکون بر اساس نظام گله‌ای یا منظومه‌ای در کنار یکدیگر در طول زمان شکل می‌گرفتند و گاه فاصله اندکی با یکدیگر داشتند. این فاصله موجب ایجاد مراودات اجتماعی و اقتصادی بین آن‌ها می‌شد. مزرعه‌نشینان از حمام، آسیاب و مسجد یکدیگر به صورت اشتراکی استفاده می‌کردند. هر مزرعه علاوه بر کشاورزی دارای دام‌پروری در مقیاس ویژه‌ای بود و چراگاهی نیز بدین منظور در نظر گرفته می‌شد. اربابان و مالکان حدفاصل بین مزارع و مراتع پیرامون را به عنوان چراگاه ویژه مزارع در نظر می‌گرفتند و از آن محافظت می‌کردند. نظام تقسیم این مراتع به صورت عرفی تعیین می‌گردید و به تدریج به عنوان یک حق شناخته شده در طول نسل‌ها برای مزارع تثبیت می‌شد. علاوه بر آن، بخشی از ساختارهای وابسته به قنات، آبراه‌ها، کشاورزی و دامداری نیز در این پهنه قرار می‌گرفت و گاه به صورت اشتراکی مابین چندین مزرعه قابل استفاده بود. این پهنه، لایه محافظتی پهنه‌های کالبدی و کشتخوانی است، آن‌ها را دربر می‌گیرد و محیط بر آن‌ها است (عکس‌های ۶ و ۷).



عکس ۶- گستره پهنه عرفی در مزرعه نصرت آباد قم (عکس هوایی، ۱۳۴۷ شمسی)



عکس ۷- گستره پهنه عرفی در مزرعه بالا عباس آباد کاشان (Google earth, 2021)

۹. بحث

مزرعه مسکون تاریخی با توجه به شکل ۱ دارای جایگاه ویژه‌ای در نظام زمانی- مکانی- فضایی فلات ایران بوده است. شهر، رستاق، قصبه و ده مجتمع‌های زیستی بودند که بزرگ‌تر از مزرعه بوده و بر آن محیط بودند. هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که از مزرعه قابل تمیز بوده و غالباً کالبدی و کارکردی هستند. در حال حاضر از میان مجتمع‌های اشاره شده تنها روستاها هستند که قریب به گذشته، قابل شناسایی هستند و از جهات مختلفی چون؛ جایگاه، موقعیت، محدوده پهنه‌ها، نظام شمارش، نوع مالکیت و تأثیر در شئون اجتماعی- اقتصادی و معیشتی در مقام مقایسه با مزارع قرار دارند. این مقایسه می‌تواند حدود و ثغور کالبدی و کارکردی مزارع را تدقیق کند و آن‌ها را از مابقی مجتمع‌ها قابل تمیز نشان دهد (جدول ۲).

۱.۹. خاستگاه پیدایش و نوع مالکیت

مزارع مسکون تاریخی یک مجتمع زیستی و بنگاه کوچک اقتصادی و امنیتی بودند و سپس بستر اجتماعی و فرهنگی در آن‌ها قوت گرفته است. آن‌ها در زمان کوتاه بر اساس نیازها و با توجه به ظرفیت‌های زیستی با دستور و یا اقدام ارباب و صاحب‌منصبی؛ احداث، آبادان، ابداع، احیاء، دایر، آباد، بایر و انشاء می‌شدند و در فرآیند زمان تبدیل به روستا می‌شدند؛ مانند؛ مزرعه بید همدان و مزرعه دولت آباد قم (عکس ۲). درحالی که روستاها یک مجتمع اجتماعی و فرهنگی هستند و سپس بستر اقتصادی در آن قوت می‌گیرد. روستا به وسیله عامه مردم و متمولان به صورت تدریجی و در طول سالیان شکل می‌گرفت. متغیرهای شکل‌گیری روستا به دلیل دامنه وسیع آن، لحظه‌ای و آنی نبودند و بسیاری از آن‌ها در فرآیند زمان تبدیل به شهر شدند.

۲,۹. جغرافیا و موقعیت

مزارع مسکون از نظر تعیین موقعیت تابع نوع مالکیت و ویژگی‌های زیست‌بوم جغرافیا بودند و بسان منظومه‌ای در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند و با یکدیگر مرادوات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نزدیک داشتند؛ اما در روستاها الزاماً موقعیت منظومه‌ای وجود نداشت. شکل‌گیری و موقعیت روستاها بیش از اینکه تابع متغیرهای مالکیتی و اقتصادی باشد با حوزه‌های محیطی، اجتماعی و فرهنگی گره‌خورده بود.

۳,۹. واحد شمارش و پهنه‌های تأثیرگذار

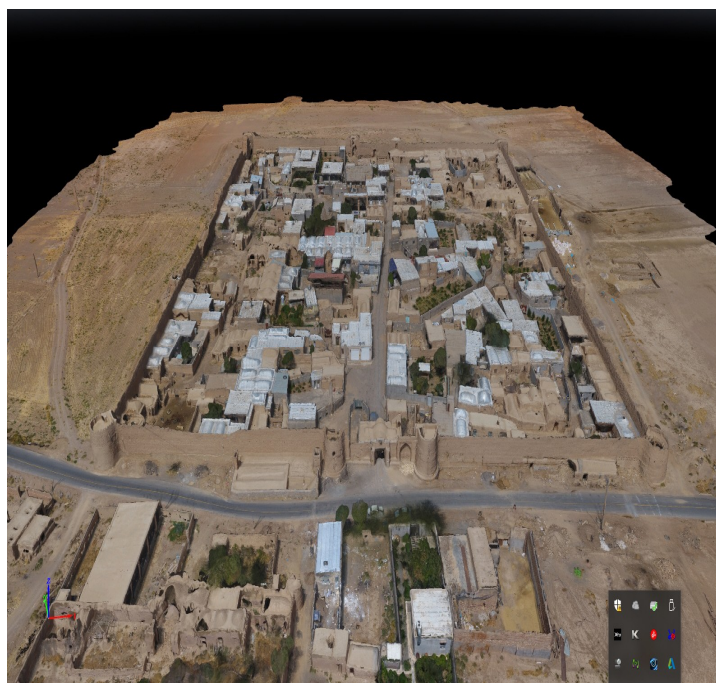
واحد شمارش مزرعه، باب است و دارای سه پهنه کالبدی، کشتخوانی و عرفی است. در مزارع مسکون؛ حضور پهنه کشتخوانی بر پهنه کالبدی غالب است. آن‌ها دارای جمعیت ثابت و شناور بودند و به لحاظ نظام اجتماعی یک طایفه، قوم و یا چندین خانواده در مزارع مسکون ساکن می‌شدند و به لحاظ تولیدات کشاورزی، دامی و صنایع‌دستی در مقیاس خود به‌طور تقریبی خودکفا بودند، اما روستاها با واحدی به نام «پارچه» شمارش می‌شوند و بسان مزرعه در فلات ایران دارای سه پهنه کالبدی، کشتخوانی و عرفی هستند. بعضاً حضور عناصر کالبدی و بافت بر پهنه کشاورزی غالب است. روستاها دارای جمعیت ثابت هستند و از ترکیب چندین طایفه، قوم و خانواده در قالب محله‌های مختلف تشکیل می‌شوند و وسعت آن‌ها بیشتر از مزارع مسکون است.

۴,۹. نظام اجتماعی، اقتصادی و معیشتی

به لحاظ کارکردی در زمینه‌های اقتصادی و بهره‌برداری نیز تشابهات و نقاط افتراقی بین مزرعه و روستا وجود دارد. در هر دو مجتمع، زمینه‌های اقتصاد کشاورزی، باغداری، دام و طیور و صنایع‌دستی فعال بود و نقطه افتراق در مقیاس کارکرد وجود داشت. در مزارع کبیره مانند نصرت‌آباد قم (عکس ۵). علیرغم جمعیت نازل‌تر نسبت به روستاهای اطراف با توجه به سازماندهی متفاوت اما تولید محصول بیشتر بود. دلیل آن، بنگاه بودن

بررسی جایگاه مزارع مسکون تاریخی در نظام ... ، راعی | ۲۴۱

مزرعه بوده است. افراد مستقر در یک مزرعه دارای هدف اقتصادی بودند و همگی برخلاف افراد یک روستا زیر نظر یک ارباب و برای تولید یک محصول مهم تلاش می کردند. به جزء زمینهای اقتصادی و معیشتی، زمینه اجتماعی روستا نیز با مزرعه تفاوت چندانی نداشت. در مزرعه نظام اجتماعی ویژه‌ای وجود داشت که تا حدودی مشابه با روستا است. در رأس آن، ارباب قرار می گیرد و خوش نشین نیز در انتهای آن جای دارد.



عکس ۸- عکس اورتوفوتو از مزرعه دولت آباد قم (نگارنده، ۱۴۰۱)

به لحاظ فرهنگی نیز مزارع تابع روستاهای اطراف بودند و از آن‌ها در انجام سلوک، سنت‌ها و آئین‌ها با حفظ استقلال خود، پیروی می کردند. به عنوان مثال مزرعه دولت آباد (عکس‌های ۲ و ۸) دارای قبرستان، مسجد و کاروانسرای مختص به خود بود و از آن بهره می برد.

جدول ۲- قابلیت‌های کالبدی و کارکردی مزارع مسکون تاریخی در مقایسه با سایر مجتمع‌های زیستی (نگارنده، ۱۴۰۱).

ردیف	عناوین	قابلیت‌های کالبدی و کارکردی	
		مزرعه مسکون	روستا
۱	جایگاه در نظام زمانی- مکانی- فضایی	کوچک‌ترین مجتمع زیستی (تابعه و مستقل)	بزرگ‌تر از مزرعه و مستقل
۲	موقعیت	تابع نظام گله‌ای	تابع متغیرهای محیطی، اجتماعی و فرهنگی
۳	مالکیت	اربابی	اربابی و رعیتی
۴	واحد شمارش	باب	پارچه
۵	نظام اجتماعی	مشابه با روستا و دارای افتراق اندک	مشابه با مزرعه و دارای افتراق اندک
۶	پهنه‌های تأثیرگذار	کالبدی، کشتخوانی و عرفی	کالبدی، کشتخوانی و عرفی
۷	تولیدات کشاورزی و باغداری و دامی	فعال و در تولید محصولات اصلی، بزرگ‌تر از روستا/ خودکفایی نسبی در مقیاس مزرعه	فعال و در تولید محصولات اصلی، کوچک‌تر از مزرعه/ خودکفایی نسبی در مقیاس روستا
۸	صنایع دستی	فعال و در مقیاس کوچک‌تر از روستا	فعال و در مقیاس بزرگ‌تر از مزرعه
۹	اجتماعی و جمعیتی	جمعیت کمتر از روستا/ یک یا دو طایفه/ چندین خانواده	جمعیت بیشتر از مزرعه/ چندین طایفه/ چندین محله
۱۰	فرهنگی	مشابه روستا اما مستقل	مستقل و همراه با مزرعه
۱۱	توسعه و تغییر	در سه وضعیت (مخروبه، نیمه فعال و تبدیل به روستا)	در چهار وضعیت (مخروبه، فعال، نیمه فعال و تبدیل به شهر)

۱۰. نتیجه‌گیری

مزارع مسکون در دوره‌های مختلف تاریخی بخشی از نظام زمانی- مکانی- فضایی در ایران بودند و به‌عنوان سلول و واحد کوچک در میان مجتمع‌های زیستی شهری، روستایی و عشایری در فلات ایران شناخته می‌شدند. آن‌ها در ذیل دیه یا روستا به‌صورت مستقل یا

تابعه قرار داشتند و دارای تفاوت‌های ملموسی در قابلیت‌های کالبدی و کارکردی بوده و از این منظر از دیگر مجتمع‌های زیستی به‌ویژه روستاها متمایز هستند. هم‌اکنون این تفاوت‌ها و نقاط تمایز به دلایل مختلف مستتر مانده و مقیاس شناخت از مزارع مسکون به سطح زمین‌های کشاورزی تنزل یافته است.

علاوه بر آن مزارع مسکون در گذشته تابع نظام پهنه‌بندی در سه مقیاس؛ کالبدی، کشتخوانی و عرفی بودند. هر یک از پهنه‌ها دارای نظام حقوقی عرفی، قانون نانوشته، وظایف و کارکرد ویژه‌ای بودند که به آن‌ها اشاره شده است. خشک‌سالی، روند رو به رشد ساخت‌وساز و همچنین ناآگاهی مالکان در توسعه مجدد مزارع مسکون بخش‌هایی از پهنه‌های سه‌گانه را از میان برده و هم‌اکنون به‌سختی قابل‌شناسایی و بازخوانی هستند. در این مقاله به این پهنه‌ها، محدوده‌های تأثیرگذار گفته شده است. هر یک از آن‌ها در حریم‌گذاری مزارع مسکون تاریخی دارای نقش و کارکرد هستند. پهنه‌های کالبدی و کشتخوانی معادل عرصه در یک مزرعه و پهنه عرفی معادل حریم در آن تلقی می‌شود و می‌توانند ضوابط ویژه‌ای را مبتنی بر نقش پیشین خود داشته باشد.

حفاظت از یک مزرعه مسکون نیز ارتباط عمیقی با صیانت پویا از محدوده‌های تأثیرگذار یا پهنه‌های سه‌گانه دارد. این پهنه‌ها به‌عنوان عرصه و حریم کیفی مزارع؛ معرف یک کل منسجم هستند و با جداسازی و تفکیک هر یک از آن‌ها، بخشی از مزرعه از دست‌رفته و قابلیت‌های کالبدی و کارکردی لازم را نخواهد داشت. اصالت^۱ و یکپارچگی^۲ مزرعه مسکون تاریخی منوط به پیوستگی کالبدی و کارکردی محدوده‌های تأثیرگذار در هم‌کناری با یکدیگر است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

1. authenticity
2. integrity

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان. (۱۳۶۸)، *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، ج ۱ و ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعظم واقفی، سیدحسین. (۱۳۷۴)، *میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز*، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴)، *یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد*، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افضل الملک، غلامحسین خان. (۱۳۵۵)، «*کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم*»، مجله فرهنگ ایران زمین، ۲۲: ۶۷-۱۵۰.
- افضل الملک، غلامحسین خان. (۱۳۶۰)، *سفرنامه خراسان و کرمان*، به اهتمام قدرت الله روشنی، تهران: انتشارات توس.
- امین لشکر، قهرمان. (۱۳۷۴)، *روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۰)*، به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت، تهران: انتشارات اساطیر.
- پسندیده، محمود. (۱۳۹۴)، *اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی*.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا. (۱۳۶۷)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه: رعنایت‌الله، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- توانگر مروستی، مجید. (۱۳۹۴)، *قلعه روستاهای تاریخی منطقه هرات و مروست استان یزد*، تهران: انتشارات سبحان نور.
- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین. (۱۳۳۰)، *جامع الخیرات*، به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- حکمت یغمایی، عبدالکریم. (۱۳۶۹)، *بر ساحل کویر نمک*، تهران: انتشارات توس.
- حموی بغدادی، یاقوت. (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.

بررسی جایگاه مزارع مسکون تاریخی در نظام ...، راعی | ۲۴۵

- خیاط مقدم، میترا؛ ایرانی بهبهانی، هما و دارابی، حسن. (۱۳۹۶)، «باززنده‌سازی باغ نشاط شهر فیروزه بر اساس مستندات تاریخی و محیطی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۷ (۱۵)، ۲۱۹-۲۳۸.

- دهگان، ابراهیم. (۱۳۸۹)، «دسکره»، فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم، ۱۹۹-۲۰۲.
- راعی، حسین و بیگلری، محسن. (۱۴۰۰)، «انشاء مزرعه دولت‌آباد قم، از آغاز تا اضمحلال»، معماری اقلیم گرم و خشک، ۹ (۱۳): ۵۹-۷۷.

- راعی، حسین. (۱۳۹۶)، «در جستجوی مزارع مسکون اربابی در نیاسر»، مجموعه مقالات همایش باغ‌های تاریخی، دانشگاه کاشان، ۲۳۰-۲۵۱.

- راعی، حسین. (۱۳۹۷)، فهم و تقرب به مفاهیم حفاظت از مزارع مسکون تاریخی، رساله دکتری رشته حفاظت معماری، دانشگاه هنر اصفهان.

- راعی، حسین. (۱۴۰۰)، «قابلیت‌های پنهان در مزارع مسکون تاریخی نیاسر»، نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۱۲ (۱)، ۱۷۴-۱۵۷.

- راعی، حسین. (۱۴۰۰)، «گونه شناسی مزارع تاریخی در اقلیم گرم و خشک با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و کارکردی آن»، معماری اقلیم گرم و خشک، ۹ (۱۴): ۲۷-۴۸.

- سازمان نقشه‌برداری کشور. (۱۴۰۰)، عکس‌های هوایی مزارع قاضی‌بالا و نصرت‌آباد.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۸۸)، اسناد معماری ایران، دفتر اول، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.

- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۶۸)، بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. (۱۳۸۳)، مسافرت نامه کرمان و بلوچستان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.

- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۸۵)، تاریخ قم، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، قم: انتشارات زائر-آستانه مقدسه.

- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (سهیل کاشانی). (۱۳۸۷)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۹۲)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه: علیرضا عینی فر، چ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لمتون، آن‌کاترین سواين فورد. (۱۳۴۵)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: م. امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدمرادی، اصغر؛ صالحی کاخکی، احمد و راعی، حسین. (۱۳۹۵)، «آغازی بر فهم مزارع مسکون تاریخی در یزد». مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴ (۴)، ۱-۱۹.
- نجم‌الملک، میرزا عبدالغفار. (۱۳۴۱)، سفرنامه خوزستان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- الهمدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۵۶)، وقف نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

- Afshar, Iraj. (1995). *Yazd monuments, The introduction of historic buildings and ancient monuments of Yazd city*. Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Afzal Al-Molk, ĠOLĀM-ĤOSAYN. (1981). *Khorasan and Kerman Travelogue*. Tehran: Toos Publications.
- Afzal Al-Molk, ĠOLĀM-ĤOSAYN. (1976). "Booklet Detailing and States of Dar-ol-Iman-e Qom". *Farhang-e Iran Zamin*, (22), 67-150 (in Persian).
- AMĪN(-E) LAŠKAR, MĪRZĀ QAHRAMĀN. (1995). *Khorasan Trip Newspaper together with Naser al-Din Shah*. Tehran: Asatir Publications.
- Azam Vaghefi, Seyed Hosein. (1996). *Natanz Cultural Heritage*, Vol. 4. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Brock, Daniel W.H., Barbara J. Heath, and Henri D. Grissino-Mayer. (2017). "Dendroarchaeology at the Tipton-Haynes State Historic Site: Contextualizing the landscape of an Upland South farmstead in East Tennessee, USA". *Dendrochronologia*, 43, 41- 49.
- Etemad-ol-Saltaneh, Moĥammad-Ĥasan Khan. (1990). *Meraa't al-Baladan*. Tehran: Tehran University Publications.
- Farmanfarma, Abdol-Hosseini. (2004). *Kerman and Baluchestan Travelogue Letter*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asatir Publications.
- Ford, Ben. (2008). "The Presentation of Self in Rural Life: The Use of Space at a Connected Farmstead". *Historical Archaeology*, 42 (4): 59-75.
- Groat, Linda, and David Wang. (2013). *Architectural Research Method*, Translated by: Alireza Aeinifar. Tehran: Tehran University Publications.

- Hamadānī, Rashīd al-Dīn Faḍlullāh. (1977). *Rab'-e Rashidi Deed of Endowment*. Based on the text edited by Mojtaba Minavi and Iraj Afshar. National Antiquities Protection Organization of Iran.
- Ḥamawī, Yāqūt. (2001). *Mu'jam al-Buldān*. Translated by: Alinaghi Monzavi. Tehran: Research Institute of the Cultural Heritage Organization Publications.
- Hekmat Yaghmayi, Abdolkarim. (1990). *On the Shore of the Salt Desert*. Tehran: Toos Publications.
- Hosseini Yazdi, Seyed Rokn-al-Din. (1951). *Jame-al-Khayrat*. Tehran: Farhang-e Iran Zamin Publications (in Persian).
- Kalantar-Zarabi, Abdolrahim. (1999). *History of Kashan*, Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amirkabir Publications.
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1966). *Owner and farmer in Iran*, Translated by: M. Amiri. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Lee, Nedra K. (2020). “Race, Socioeconomic Status, and Land Ownership among Freed African American Farmers: The View from Ceramic Use at the Ransom and Sarah Williams Farmstead, Manchaca, Texas”. *Hist Arch*, 54, 404–423.
- MohammadMoradi, Asghar, Ahmad Salehi Kakhki, and Hosein Raie. (2017). “An Inception on the Perception of the Inhabiting Farmsteads in Yazd”. *Jria*, 4 (4), 1-21.
- National mapping agency. (2021). *Aerial photos of Ghazibala and nusrat abad farmsteads*.
- Najm-ol-Molk, Abdul Ghaffar. (2006). *Travelogue of Khuzestan*, Edited by: Mohammad Dabir- Siaghi. Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Pasandideh, Mahmoud. (2015). *Documents and Endowments of Historical Schools of Mashhad Seminary*. Mashhad: Bonyad-e Pazhouhesh-haye Eslami (in Persian).
- Pigulevskaya, Nina Viktorovna. (1988). *Iranian Cities during the Parthians and Sassanids*, Translated by: Reza Enayatollah. Tehran: Elmi va Farhangi Publications (in Persian).
- Qomi, Hasan Bin Muhammad. (2006). *History of Qom*, Edited by S. J. a.-D. Tehrani. Qom: Zaer Publications.
- Raie, Hosein, and Mohsen Biglari. (2021). “Construction of Dulatabad Farmstead in Qom, from the beginning to the end”. *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*, 9 (13), 59-77.

- Raie, Hosein. (2017- May 1-2). "In Search of Manorial Residential Farms of Qajar Dynasty in Niasar [Conference Presentation]". National Conference of Kashan Historical Gardens, Kashan University.
- Raie, Hosein. (2018). Perception and Approaching a Conservation Policy for the Historical Inhabiting Farmsteads. *P.h.d thesis in the field of architectural conservation*, Faculty of Conservation and Restoration, Isfahan Art University.
- Raie, Hosein. (2021). "Hidden capabilities in historical farmstead of Niasar". *Journal of Iranian Architecture and Urbansim*, 12 (1), 157- 174.
- Raie, Hosein. (2022). "Typology of historic farmsteads in hot and dry climates Relying on its physical and functional characteristics". *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*, 9 (14), 27-48.
- Safi Nejad, Javad. (1989). "Boneh" (Traditional farming systems in Iran). Tehran: Amirkabir Publications.
- Sheykh Al Hokamii, Emaddein. (2009). *Architectural documents of Iran*. Tehran: Matn Institute for authoring, translating and publishing artistic works.
- Tavangar Marvasti, Majid. (2015). *Historical Castle- Villages of Herat and Marvast region of Yazd province*. Tehran: Sobhan-e Noor Publications (in Persian).
- Wilson, John S. (1990). "We've got thousands of these! What makes an historic farmstead significant?". *Hist Arch*, 24, 23-33.

استناد به این مقاله: راعی، حسین. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه مزارع مسکون تاریخی در نظام «زمانی- مکانی- فضایی» ایران. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۹(۱۷)، ۲۲۱-۲۴۸.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.